

باسمه تعالی

دانش‌آموزان گرامی، سلام

جزوه‌ای که اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است، که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده اما با همه کوچکی خود، به وسعت دریا‌های بیکرانه، و به عظمت کوه‌های سر به فلک کشیده است. این کلمات و جملات، مانددانه‌های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده و با بیانی ساده، به زبان فارسی امروز، نوشته شده تا برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه، شما عزیزان راه، باکتایی که پس از قرآن، عالیترین و گرانقدرترین کتاب انسان سازی است، آشنا سازد.

این کتاب، مجموعه‌یی از گفتارها، پند و اندرزها، نامه‌ها و نوشته‌ها، سخنان کوتاه و پر مغز آن امام امیرالمومنین علی علیه السلام است، که توسط دانشمند برجسته اسلامی، «سید رضی» در پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هجری، گرد آوری شده است.

«سید رضی» سخنان والا و نوشته‌های بی‌همتای امام علیه السلام را، در کتاب نهج البلاغه، به سه بخش اصلی تقسیم کرده که ترتیب آنها چنین است:

- ۱- خطبه‌ها
- ۲- نامه‌ها
- ۳- سخنان کوتاه

درباره خطبه‌ها (سخنرانی‌ها)

در دوران حکومت آن حضرت، نماز تمام روزهای هفته به صورت جماعت خوانده می‌شد، همیشه برای ایراد خطبه، فرصت مناسب وجود داشت. امام علیه السلام نیز، هر گاه که مسئله فوری و مهمی پیش می‌آمد، که لازم بود با مسلمانان در میان گذاشته شود، بر منبر قرار می‌گرفت و به ایراد خطبه و روشنگری ذهن مسلمانان می‌پرداخت.

خطبه‌هایی که در نهج البلاغه گرد آوری شده، تنها ۲۴۱ خطبه، از صدها خطبه آن حضرت است. با این حال، بخش خطبه‌ها، در نهج البلاغه، از دو بخش بعدی که نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علیه السلام را در بر دارد، مفصل‌تر و بلندتر است.

خطبه‌های نهج البلاغه، بیشتر در موضوع توحید و خداشناسی، بحث درباره رسالت و معرفی مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مسائل و مباحث اسلامی و قرآنی، مسائل سیاسی و

اجتماعی جهان اسلام، ودعوت مسلمانان به شرکت در جهاد و استقبال از شهادت در راه خدا و دین خدا، بیان شده است .

درباره نامه‌ها

بخش نامه‌های نهج البلاغه، شامل نامه‌هایی است که امام علیه‌السلام، پیرامون مسائل حکومت اسلامی وامت مسلمان، برای دوستان و نزدیکان، و حتی برای دشمنان خود نوشته است. همچنین نامه‌ها و فرمانهایی است که آن حضرت، برای فرمانداران و استانداران و مسئولان حکومتی امور مسلمانان نوشته، و در هر یک، عالیتین اصول حکومت و کشورداری، بهترین راه خدمت به مردم، و بخصوص حفظ حقوق افراد ضعیف و طبقه مستضعف را تعیین کرده، و کارکنان حکومت اسلامی را، به رعایت یکایک این دستورات، موظف ساخته است.

درباره سخنان کوتاه

سومین بخش نهج البلاغه، در بردارنده سخنان کوتاه امام علیه‌السلام است که بیشتر آنها، از یک یا دو جمله فشرده تشکیل شده است. اما همین گفته‌های بسیار کوتاه و یکی دو جمله‌هایی، که بین مردم به «کلمات قصار» معروف شده، هر یک دریایی از معنی را در خود جای داده است. کلمات قصار علی علیه‌السلام بیشتر در بردارنده پند و اندرزهای آن حضرت، و راهنمایی‌های بی‌ظنیری درباره روش صحیح اعتقادی و تربیت اسلامی است.

پس از آشنائی مختصر با مطالب سه گانه نهج البلاغه، اکنون باید گفت که: نهج البلاغه، علاوه برداشتن مطالب عمیق و معانی والا و ارزنده، و مفاهیم انسان ساز خود، از لحاظ طرز نگارش نیز مقام ارجمندی دارد.

نثر این کتاب و شیوه نگارش حضرت، چنان شیوا و دلنشین است، که در زبان و ادبیات عرب، هرگز نظیری نداشته و بعدها در طول چند قرن نیز، نظیری برای آن پیدا نشده است. و از همین رو، برای آن نام نهج البلاغه یعنی «راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام» انتخاب شده است.

شریف رضی کیست؟

شریف رضی، معروف به «سید رضی» دانشمند بزرگ اسلامی در قرن چهارم هجری است که باگردآوری نهج البلاغه نام خود را در تاریخ اسلام جاودانه کرد .

سید رضی هم از سوی پدر، هم از سوی مادر، خاندان پاک و شریفی داشته که هر دو از نسل مبارک امام علی علیه‌السلام بوده‌اند.

سیدرضی در سال ۳۵۹ هجری قمری متولد شد و پس از یک زندگی کوتاه ولی پر ثمر ۴۷ ساله، در سال ۴۰۶ هجری درگذشت .

وی از کودکی، دوشادوش برادرشرفیض مرتضی به تحصیل دانش رفته بود، به زودی هوش فراوان و نبوغ سرشار خود را نشان داد، و از تمامی هم سن سالهای خود پیش افتاد. به طوری که در نخستین سالهای جوانی به عنوان یک دانشمند برجسته اسلامی شناخته شد و مورد احترام دانشمندان بزرگ آن زمان قرار گرفت.

سید رضی از آغاز جوانی، شروع به تحقیقات با ارزشی در زمینه قرآن و اسلام ومسائل اسلامی کرد. حاصل تلاشها و تحقیقات او، چند کتاب با ارزش بود که در قرنهای بعد نیز، همیشه مورد توجه دانشمندان جهان اسلام قرار گرفته است.

وی در زمینه شعرنیز نبوغ سرشاری داشت، چنانکه دانشمندان و شعر شناسان، با مطالعه اشعاری که از او باقی مانده است، وی را بزرگترین و بهترین شاعر عرب دانسته‌اند.

اما کتابی که نام او را جاودانه کرده، نوشته‌ها و اشعار و تحقیقات خودش نیست، بلکه گردآوری و تدوین همین کتابی که امروز، با نام «نهج البلاغه» در دنیا می‌درخشد. سید رضی، برای جمع آوری مطالب این کتاب نزدیک ۲۰ سال زحمت کشید . به دهها کتابخانه رفت و صدها کتاب را از آغاز تا پایان به دقت خواند. در آن کتابها، که هر کدام دهها سال پیش نوشته شده بود، آثار مختلفی از امام علی علیه‌السلام نیز وجودداشت. نویسندگان آن کتابها، هر کدام به مناسبت‌های مختلف، قسمتهائی از خطبه‌ها، نامه‌ها، سخنان کوتاه و پند و اندرزهای امام علیه‌السلام را نقل کرده بودند .

اما این آثار، در هیچکدام از آن کتابها، نظم و ترتیب درستی نداشت. بلکه هر نویسنده‌یی قسمتهائی از آثار امام را، در کتاب خود نقل کرده بود .

از این رو، سید رضی سعی و همت فراوان به کار برد و پس از سالها تحقیق و مطالعه، در سال ۴۰۰ هجری قمری، موفق شد آثار پراکنده امام را در سه بخش گردآوری کند و به صورت کتابی جامع، در جهان فرهنگ و اندیشه انتشار دهد .

باید دانست که نهج البلاغه نیز، دربردارنده تمامی آثار امام علیه السلام نیست. اما از تمام کتابهایی که در زمینه گفته‌ها و نوشته‌های آن حضرت، پیش از سید رضی، تدوین و تألیف شده بود، پرمطلب‌تر و دارای نظم و ترتیب بیشتر و به کمال نزدیک است .

گوهرهای ناب :

تعدادی از جملات زیبا، آسان و دلپذیر از قسمت حکمت ها و سخنان کوتاه نهج البلاغه آماده شده است که شما با حفظ کردن و عمل به آنها می توانید شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را بیاموزید و اصلاح کنید.

۱- در خلوت هم از گناه بپرهیزید

«اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْخَاكِمُ» حکمت ۳۱۶

در خلوت و تنهایی هم، از گناه و نافرمانی بپرهیزید، زیرا همان کسی که گناه شما را می‌بیند (خداوند) خودش نیز درباره آن، داوری خواهد کرد.

شرح: گروهی از افراد کوتاه فکر هستند، که گمان می‌کنند اگر در خلوت و تنهایی، مرتکب گناه شوند، و کسی شاهد گناه آنها نباشد، از کیفر و مجازات در امان خواهند بود. غافل از آنکه هر چند در خلوت و تنهایی مرتکب گناه شود، و کسی شاهد او نباشد، ولی خداوند، او را می‌بیند و شاهد گناهان اوست. به این ترتیب، شخص گناهکار، در روز رستاخیز، از داوری خداوند توانا و بینا که خود آن گناه را دیده است هیچ راه فراری نخواهد داشت.

۲- جامعیت قرآن

«فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَّا قَبْلَكُمْ وَخَبْرٌ مَّا بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَّا بَيْنَكُمْ» حکمت ۳۰۵

سرگذشت نسلهای پیشین شما، و خبرهای مربوط به نسلهای آینده شما، و احکام و دستورات به اموری که بین شما جاری است، همه در قرآن آمده است.

شرح: آنچه انسان، در زندگی این جهانی خود به آن نیازمند است، بطور کلی، خارج از این سه مورد نیست: نخست، می‌خواهد بداند که پدران و مادران و نیاکان او، در گذشته، چگونه بوده‌اند، چگونه زیسته‌اند، چه‌های اندیشیده‌اند، آن گناه می‌خواهد بداند پس از مرگ او، دنیا چه صورتی خواهد داشت، و نسلهای آینده در چه اوضاع و شرایطی خواهند زیست، و احوال آنها، در دنیای آینده چگونه خواهد بود. و سپس می‌خواهد بداند: در حال حاضر، در دوران بین گذشته و آینده، که خود در آن زندگی می‌کند، با مردم چگونه باید رفتار کند، و اموری را که بین او و دیگران جاری است، چگونه سر و سامان دهد، تا به راه نادرست نرود و به طریق آسایش و رستگاری گام بردارد قرآن مجید، کلام الهی و آسمانی ما مسلمانان، کتاب سازنده و روشنگری است که این سه موضوع مهم و حیاتی را، برای ما، به روشنی و بدون تردید یا ابهام، توضیح داده است. پس ما، اگر می‌خواهیم با درک و آگاهی زندگی کنیم و در منجلا ب و گمراهی‌ها فرو نرویم، و به سوی سعادت گام برداریم، باید قرآن را به دقت بخوانیم، معنی آن را درک کنیم، و مفاهیم آن را دستور زندگی خویش قرار دهیم، و احکام آن را به کار بندیم.

۳- خشنودی از کار بدکاران

«الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٌ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِثْمُ الرِّضَى بِهِ»

حکمت ۱۴۶

هر کس که به کار گروهی از مردم خرسند باشد، مانند آن است که در آن کار، با آنها همراهی کرده است، هر کس در کار نادرست همراهی کند، برای او دو گناه خواهد بود: گناه همکاری در آن کار نادرست، و گناه رضایت دادن به انجام آن.

شرح: بر اساس قوانین دینی، خوب بودن و خوب زیستن، تنها این نیست که ما، خود را از همه کنار بکشیم، و در خلوت و تنهایی مشغول عبادت شویم و کاری به کار دیگران و سایر افراد جامعه نداشته باشیم. چه، در این صورت، حتی اگر هیچ گناهی از ما سر نزنند، باز در گناهی که دیگران، در کنار ما و مقابل چشمان ما انجام میدهند، شریک و سهیم خواهیم بود. به بیان دیگر، یک مسلمان مؤمن واقعی، نباید در برابر کارهای باطل و نادرست دیگران نیز، ساکت بنشیند و هیچ اقدامی نکند. چون این سکوت، دلیل آن است که او، با انجام آن کارهای باطل مخالفتی ندارد و کسی که مخالف امری نباشد، بطور طبیعی، به انجام آن امر، رضایت داده است. و راضی بودن به انجام کار دیگران نیز مانند آن است که خود او هم در آن کار، شرکت و دخالت داشته است.

از این روست که امام علیه السلام می فرماید: مسلمان مؤمن حق ندارد ساکت بنشیند و شاهد و تماشاگر کارهای باطل دیگران باشد. چون در آن صورت، از او دو گناه سرزده است. یک گناه همان رضایت دادن به انجام آن کار است، و گناه دیگر آن است که با چنین رضایتی، خود او نیز، در آن کار نادرست بصورت همکار و همراه در آمده و در حقیقت مثل آن است که خود نیز، در انجام آن گناه، شرکت و همکاری داشته است.

۴- فضیلت علم بر ثروت

«الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَصَيِّحُ الْمَالِ يَزُولُ بِرِوَالِهِ» حکمت ۱۳۹

دانش، از مال دنیا بهتر است، زیرا دانش نگهبان توست، ولی مال را تو باید نگهداری کنی. مال دنیا با بخشش کاسته میشود، ولی دانش، بر اثر بخشش، رشد و فزونی می یابد، و آنچه با مال دنیا ساخته و پرداخته شده و بدست آمده، با تمام شدن مال، از بین میرود.

شرح: در این کلام ارزنده نیز، امیرمؤمنان علیه السلام، از برتری دانش نسبت به مال دنیا سخن می گوید، و در این مورد سه دلیل بیان می فرماید:

اول آنکه: دانش، انسان را از مشکلات زندگی و گرفتاریهای آخرت نگهداری میکند، و از خسارتها و زبانهایی که به سراغ اشخاص جاهل میروند، در امان می‌دارد. ولی مال دنیا، نه تنها نگهبان صاحب خود نیست، بلکه صاحب مال، ناچار است قسمتی از وقت و فکر و نیروی خود را به خاطر نگهداری مال، از دست بدهد، تا از تلف شدن و از بین رفتن آن جلوگیری کند .

دوم آنکه: صاحب مال، وقتی مقداری از مالش را به دیگری ببخشد، به مقداری که بخشش کرده است، از مال او کم می‌شود. ولی صاحب علم، هر چه از علم خود به دیگران ببخشد، یعنی هر چه علم خود را دیدگران بیاموزد، بر علم او افزوده می‌شود چون با هر بار آموزش که به دیگری می‌دهند، خود او نیز ورزیده‌تر می‌شود و در رشته علمی خود، مهارت و تسلط بیشتری پیدا می‌کند .

سوم آنکه: مال و ثروت از بین برود، تمام چیزهایی هم که به واسطه آن مال و ثروت ساخته و پرداخته شده و بدست صاحب مال آمده است، از بین خواهد رفت.

۵- پرهیز از دوستی با...»

«إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَخْوَجِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْعَكَ فَيَضُرَّكَ ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَفْعِدُ عَنْكَ آخَوْجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّأْفِهِ ، وَإِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ عَلَيْكَ» حکمت ۳۷

از دوستی با نادان بپرهیز، چون او می‌خواهد به تو سود برساند، ولی از روی نادانی زیاد می‌رساند، از دوستی با شخص تنگ نظر بپرهیز، چون او تو را، هنگامی که به شدت نیازمند او باشی رها می‌کند، از دوستی با شخص بدکاره بپرهیز، چون او به ناچیزترین قیمت‌ها تو را می‌فروشد، و از دوستی با دروغگو بپرهیز، چون او، مانند سراب، فریب می‌دهد. دور را در نظرت نزدیک نشان می‌دهد، و نزدیک را دور جلوه‌گر می‌سازد.

شرح : در انتخاب دوست، باید کمال مراقبت را به عمل آوریم و دست کم، کسانی را که دارای چهار خصوصیت زشت (نادانی) (بخل) (بدکاری) و (دروغگویی) هستند، به عنوان دوست انتخاب نکنیم .

شخص نادان، هر چند هم که مهربان و صمیمی باشد، از آنجا که عقل کافی ندارد، موارد سود و زیان را نیز تشخیص نمی‌دهد. به همین جهت، حتی وقتی می‌خواهد به دوست خود، سودی برساند، از روی نادانی، کاری میکند که به زیان دوستش تمام شود .

شخص بخیل، یا تنگ نظر، نیز چون به مال دنیا بیش از هر چیز دیگری دلبستگی دارد، و حاضر نیست ذره‌ای از مال خود را از دست بدهد، تا زمانی که دوستی خود با دیگران ادامه می‌دهد، که به او نیازمند نباشد. اما همین که یکی از دوستانش به او نیازمند شود، حتی اگر در اوج نیازمندی باشد و تمام

زندگی اش به اندکی گذشت و بخشش از سوی او بستگی پیدا کند، باز حاضر به گذشت و چشم پوشی از مال دنیایمی شود، و دوست خود را، در آن اوج احتیاج، رها میکند و به حال خود می گذرد .

بدکاره، یا کسی که در روی زمین به فسق و فجور و فساد دست میزند، نیز از کسانی است که باید از دوستی با او پرهیز کرد. شخص بد کاره، عزت و شرافت انسانی خود، و سعادت و رستگاری آخرت خود را، در برابر کم ارزشی ترین چیزی از دست می دهد. بنابراین، مسلم است که چنین کسی، برای دوستان نیز، ارزشی قائل نخواهد شد، و آنها را در برابر اندک چیزی خواهد فروخت .

دروغگو نیز، شایسته دوستی نیست. چون او نیز، مانند سراب که از دور به شکل آب دیده می شود و از نزدیک چیزی جز خاک و ریگ بیابان نیست، همیشه به فکر فریب دادن است. شخص دروغگو، همیشه با دروغهای خود، کارهای خوب را به صورت کارهای (بد) وانمود می کند. و کارهای بد را به صورت (خوب) نشان می دهد. در نتیجه، کسیکه با شخص دروغگو دوستی کند، فریب حرفهای او را می خورد، و دوعیب بزرگ در زندگی پیدا می کند: نخست آن که از کارهای خوب رویگردان می شود، چون خیالمی کند که آن کارها (بد) است. و دیگر آنکه به انجام کارهای بد می پردازد، چون بخاطر حرفهای دوست دروغگوی خود، گمان میکند که آن کارها خوب است .

۶- هشدار مؤده است

«مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ» حکمت ۵۶

کسی که تو را هشدار می دهد مانند کسی است که به تو مؤده می دهد.

شرح: گاهی پدر و مادرها، و بزرگترها، و دوستان خوب و دلسوز، از روی خیرخواهی، و برای آن که ما را از انجام کارهای بد باز دارند، مجبور می شوند به جای نرمش و ملایمت، با لحنی تند و درشت، هشدار دهند و ما را، از کاری که می خواهیم انجام دهیم، بر حذر و بیمناک سازند.

ممکن است بعضی افراد، اینگونه بر حذر داشتن را خوش نداشته باشند، و از لحن تند و هشدار دهنده کسی که با درشتی از انجام کار بد آنها جلوگیری می کند، ناراحت شوند.

ولی، فرزند عزیز، این را بدانکه: وقتی کسی با درشتی و تند، به تو هشدار می دهد و از انجام کارهای بد تو جلوگیری می کند، مثل کسی است که بالحنی ملایم و مهرآمیز، به تو مؤده می دهد .

به عنوان مثال: وقتی کسی تو را از تنبلی در مدرسه و بازیگوشی در خانه باز می دارد، وبالحنی تند می گوید: در خواندن درسهایت تنبلی نکن، چون بیسواد و بیکاره بار می آیی و بدبخت می شوی، مثل کسی است که به تو مؤده می دهد و می گوید: شاگرد اول شده ای و بزرگترین جایزه نصیب تو شده است .

پس، از هشدار و انتقاد سازنده ناراحت نشو بلکه خوشحال و متشکر باش زیرا انتقاد بجا، انسان را متوجه اشتباه خودمی کند و باعث برطرف شدن عیب و ایراد می گردد .

۷- خودپسندی

«الْأَعْجَابُ يَمْنَعُ مِنَ الْإِزْدِيَادِ» حکمت ۱۵۸

خودپسندی، مانع از پیشرفت و رسیدن به کمال است .

شرح : شخصی که دچار خود پسندی باشد، از دو جهت لطمه می خورد و صدمه می بیند. نخست، از این جهت که: چون خود را بزرگترین و برترین عاقلان و دانشمندان می داند، دیگر لازم نمی بیند که دنبال تحصیل علم و دانش، برود. و به این صورت، از آموختن باز می ماند، و در همان مرحله یی که هست، در جای می زند، و دیگر بالاتر و پیش تر نمی رود .

علاوه بر این، شخص خود پسند، چون کسی را عاقل تر و دانشمندتر از خود نمی داند، هنگامی که برایش مسئله و مشکلی پیش می آید، با هیچکس مشورت نمی کند، و از افراد عاقل تر و دانشمندتر از خودش، راهنمایی نمی خواهد. و به اینصورت، از حل مسائل و مشکلات، و گشودن راههای بسته زندگی اش، عاجز می ماند، و همواره، در میان گرداب مشکلات و گرفتاریها دست و پا می زند، و هیچگاه نمی تواند راههای پیشرفت و ترقی را پیدا کند و به سوی کمال گام بردارد.

۸- صبر و ظفر

«لَا يَأْتِيَهُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرُ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ» حکمت ۱۳۵

شخص بردبار و شکیبا، پیروی راه، سرانجام از دست نخواهد داد، هر چند روزگاری دراز بر او بگذرد.

شرح : انسان برای بدست آوردن پیروزی، باید صبر و شکیبائی داشته باشند. زیرا کسی که در برابر مشکلات زندگی، صبور و بردبار باشد، می تواند با حوصله و شکیبائی، سر فرصت، فکر کند و راههای مختلف را بررسی و آزمایش کند، و سرانجام، از میان آنها، راهی را که به پیروزی میرسد بر گزیند. ولی افراد شتاب زده، که برای انجام هر کاری، عجله میکنند و حاضر نیستند صبر و آرامش بکاربرند، در برابر مشکلات دست و درست پیدا کنند .

پس صبر و شکیبائی، اگر چه ممکن است تلخ و دشوار باشد، و اگر چه ممکن است سالیان دراز طول بکشد ولی سرانجام به پیروزی منتهی میشود. همچنان که در قرآن کریم نیز صبر بعنوان یکی از عبارات ذکر شده است .

۹- تمرین بردباری

«إِنَّ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْ شَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» حکمت ۱۹۸
اگر بردبار نیستی، خود را وادار به بردباری کن، زیرا کسی که خود را به گروهی شبیه کند، به زودی از آنان می‌شود.

شرح : کسانی هستند که برخی از صفات خوب انسانی، بطور طبیعی، در آنها وجود ندارد، مثلا در طبیعت آنها، از آغاز، صفت حلم و بردباری وجود نداشته است، و همواره در برابر کوچکترین ناملامی، آرامش خود را از کف داده، و دست به کارهایی زده‌اند که باعث ایجاد مشکلات و ناراحتیها فراوانی شده است. بهترین راهی که برای اینگونه افراد وجود دارد، آن است که با اراده و تمرین، خود را به آن صفت عادت دهند، تا رفته رفته، بر اثر عادت، آن صفت خوب جزو وجود آنها شود .

امام علیه‌السلام، به عنوان نمونه، صفت ((بردباری)) را مطرح ساخته و در باره آن فرموده است: اگر خصلت حلم و بردباری، در طبیعت شما وجود ندارد، دلیل بر آن نیست که هرگز نمیتوانید حلیم و بردبار شوید. کافی است که برای مدتی، خود را به بردباری وادار سازید یعنی در برابر مسائلی که آرامش شما را بر هم می‌زند، سعی کنید رفتارتان شبیه کسی باشد که بطور طبیعی بردبار است و در برابر چنان مسئله‌یی، آرامش خود را با بردباری حفظ می‌کند .

وقتی مدتی به این کار ادامه دادید و رفتاری شبیه رفتار اشخاص بردبار در پیش گرفتید، رفته رفته عادت می‌کنید که هر وقت با چنان مسائلی روبرو شدید، همان رفتار را از خود نشان دهید. به این ترتیب، صفاتی که در طبیعت شما وجود ندارد، بر اثر تمرین به صورت یک عادت در شما ایجاد می‌شود. بطوری که یک کسی نمی‌تواند تشخیص دهد که آن صفت خوب، از آغاز در طبیعت شما وجود داشته است، یا خود با تمرین و عادت، آنرا در وجودتان ایجاد کرده‌اید .

۱۰ - تندخویی دیوانگی است

«الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ» حکمت ۲۴۷
تندخویی یک نوع دیوانگی است، زیرا تندخویشیمان می‌شود، و اگر پشیمان نشود، دیوانگی‌اش پابرجا و پایدار شده است.

شرح : شخصی تندخو، نمی‌تواند بر اعصاب خود مسلط باشد، و اعمال و رفتار خود را مهار کند. در نتیجه، هنگام خشم و تند خوئی، دست به کارهایی عقل سالم انجام آن را نمی‌پذیرد: زبان به بی ادبی و فحاشی می‌گشاید، دست به شکستن و پاره کردن و دور ریختن چیزهای مختلف می‌زند. با دیگران نزاع و کتک کاری میکند و باعث زخم و جراحت خود یا دیگران می‌شود چه بسا دیده شده که خشم و تند خوئی یک نفر . باعث نزاع دسته جمعی خانواده و دوستانش شده، و سرانجام در میان آنها جنایت و فاجعه‌ئی رخ داده. یا زیان و خسارت جبران‌ناپذیر دیگری پیش آمده است .

وقتی شخص تندخو، در حالت خشم به سر می‌برد و باعث ایجاد چنین مشکلات و مصیبت‌هایی می‌شود، حالت او شبیه نوعی دیوانگی است. زیرا او هم، در آن لحظات، مانند دیوانگان، بر اعصاب خود تسلط ندارد و متوجه نیست که مرتکب چه کارهایی می‌شود.

۱۱ - ناتوان تر از ناتوان ترین

«عَجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَعِيَ مَنْ ظَفَرِيهِ مِنْهُمْ» حکمت ۱۱
ناتوان‌ترین مردم کسی است که در بدست آوردن دوست، ناتوان باشد، و ناتوان‌تر از او، کسی است که دوست بدست آمده را، از دست بدهد.

شرح : توانایی انسان، تنها در قدرت جسم و زور بازو نیست. بلکه توانایی روحی و اخلاقی، بالاتر و با ارزش‌تر از توانایی جسم و تن است. قدرت جسمی، با گذشت زمان و افزایش سن و سال از بین می‌رود، اما توانایی روحی و اخلاقی، بر اثر گذشت زمان بیشتر می‌شود، و انسان را قوی‌تر و ورزیده‌تر می‌کند. پس ما، ضمن آنکه برای سلامت تن و قدرت جسم خود، باید ارزش و اهمیت قائل باشیم و در حفظ آن بکوشیم، باید سعی کنیم که توانایی روحی و اخلاقی هم بدست آوریم و هر روزه مقدار آن بیفزاییم. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: یکی از نشانه‌های قدرت روح و توانایی اخلاق، این است که انسان بتواند با اخلاق خوب و رفتار انسانی و مناسب، برای خود دوستان زیادی پیدا کند. پس کسی که نمی‌تواند برای خود دوست صمیمی و خوبی پیدا کند. از لحاظ روحی و اخلاقی، عاجز و ناتوان است. اما، ناتوان‌تر از او، کسی است که دوستی را پیدا کرده، نتواند برای همیشه نگه دارد. یعنی با رفتار بد و اخلاق نامناسب خود، دوستان بدست آمده را، از دست بدهد و در زندگی اجتماعی، تنها بماند. زیرا نگهداری دوست، دشوارتر از بدست آوردن دوست است. یعنی برای حفظ دوستان بدست آمده، بیش از یافتن دوستان جدید، قدرت روحی و اخلاق لازم است.

۱۲ - نرم خوویی زمینه دوستی

«مَنْ لَانَ عَوْدَهُ كَتَفَتْ أَعْصَانُهُ» حکمت ۲۰۵

کسی که درخت وجودش، چوب نرم باشد، شاخه‌های انبوه و فراوان، از آن سر می‌زند.
شرح : امام علیه‌السلام، در این کلام نغز و پرمعنی، انسان را به درخت تشبیه فرموده است، و دوستان انسان را، مانند شاخه‌های درخت دانسته است. در میان درختان، آن درختی که جنس چوبش، نرم‌تر باشد، شاخه‌های بیشتری از آن سر می‌زند. و درختی که پرشاخه‌تر است، اولاً سایه گسترده‌تری دارد که عده بیشتری می‌توانند در آن بیاسایند، ثانیاً میوه‌های بیشتری می‌دهد که باز، دیگران، فایده بیشتری از آن می‌برند. در نتیجه، چنین درختی، از توجه و مراقبت بیشتری هم برخوردار خواهد شد، و بیشتر به آن

رسیدگی خواهند کرد. انسان نیز، اگر درخت و جودش نرم باشد، یعنی اگر نرمخوی و خوش اخلاق و مهربان و گشاده رو باشد، شاخه‌های بیشتری خواهد داشت، یعنی دوستان بیشتری گرد او جمع خواهند شد. در نتیجه هم دوستانش از او محبت خواهند دید و هم خود او از توجه و محبت عده بیشتری برخوردار خواهد شد.

۱۳ - آخرت نتیجه دنیا

«أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَالِهِمْ» حکمت ۶

ترجمه: کارهایی که بندگان در این دنیا انجام میدهند، روز قیامت، در برابر چشمهایشان خواهد بود. امام علیه السلام، چنین خبر می‌دهد که: هر کاری که بندگان، در دنیا انجام می‌دهند، خداوند با تمام جزئیاتش ضبط و حفظ می‌کند. و در روز قیامت، تمام آن کارها را، که درنامه عمل هر کس محفوظ مانده است، جلوی چشم بندگان مجسم می‌سازد، و بدانند که خداوند، هر کس را، به - نسبت اعمال نیک و یا بدش، پاداش یا کیفر می‌دهد .
و در آن روز، سخت‌ترین عذابها، برای کسانی است که کارهای بدی که در این دنیا انجام داده‌اند، در آن دنیا مقابل چشمشان مجسم می‌شود.

۱۴ - پرهیز از جایگاه تهمت

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلَومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» حکمت ۱۵۹

کسی که خود را در معرض بد نامی و جایگاه تهمت قرار می‌دهد، نباید کسی را که به او گمان بد می‌برد، ملامت کند.

تسرح: یکی از دستوره‌های اسلامی این است که: مسلمان مؤمن نباید فقط به این که کار بد نمی‌کند و حرف بد نمی‌زند، راضی و خشنود باشد. بلکه باید از شنیدن حرف بد و دیدن کار بد نیز خودداری کند. یعنی اگر در مکانی، عده‌ای، سخنان را بشنود. یا اگر در جایی کارهای گناه آلود انجام شود، نباید در آنجا درنگ کند. اگر چنین کند، نباید کسانی را که به او بد گمان شده و تهمت زده‌اند، ملامت کند. زیرا، تقصیر از خود اوست، که با قدم گذاشتن به چنان مکانهایی، در دل دیگران، نسبت به خود بد گمانی ایجاد کرده است .

اداره قرآن عترت و نماز

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان